

اندوه باغچه «میشل»

شب غلیظ می‌شود. سطل بزرگ و سفیدرنگ زباله گویی سنگین است. یعنی خیلی سنگین است. دو کارگر جوان شهرداری سطل را هل می‌دهند تا از شیب تند پارکینگ مجتمع سطل را بکشانند بالا. نفسشان ته نشسته. صدا می‌دهد. پاهایشان با تمام توان اهرم شده تازباله‌های انبوه را خالی کنند. ساعت نه شب است و صدای زنگ تلگرام یکی از کارگرها بلند می‌شود. سطل به مقابل در رسیده که کارگر جوان با دست اشاره می‌کند به دیگری که صبر کن. بعددست می‌کند در جیبش تا تلگرامش را نگاه کند.دوشتش غرغر می‌کند: «لان اینقدر واجیه؟ مگه رئیس‌جمهور مملکتی که دم‌به‌دم این لامصب رو چک می‌کنی بشیر! بچنه!»

بشیر نمی‌جنبد. با حوصله صفحه را بالا و پایین می‌کند و سری تکان می‌دهد و بعد دوباره شروع می‌کند به هل دادن. نگاه دوشتش تند می‌شود: «چی شد بشیر؟ کجای دنیا رو آباد کردی؟» بشیر ملایم می‌خندد: «نه، یوسف. به کانال پیدا کردم اخبار انتخابات آمریکا رو لحظه‌به‌لحظه می‌ذارم. می‌خوام بفهمم این بابای موبور که حالا رئیس‌جمهور شده می‌خواد چه کار کنه و وضعیت ما چی می‌شه.»

یوسف اول استپ می‌کند. نگاهش می‌خاودد بشیر را بکاود. بعد ریشه می‌رود و نزدیک است سطل زباله سرریز کوچه‌شود: «آخه یعنی می‌گی اوضاع دنیا از این هم بدتر میشه؟ دل‌نگران چی هستی پسر؟ این ترس‌مال داراهاست. بذار اونا بترسن. بی‌پولی که کم‌وزیاد نمی‌شه. چشم‌های بشیر خجالت می‌کشد: «خیلی می‌کنی پسر! از این بدترها هم ممکنه. هرچی باشه روزگار مون می‌گذره. حقوق داریم و بیمه. می‌شه همین‌ها هم نباشن.»

یوسف سر می‌چپاندد. بشیر قوطلی مایع ظرف‌شویی را که از سطل افتاده بیرون برمی‌دارد و می‌اندازد داخل ماشین زباله: «یوسف به چیز بگم مسخره‌ام نکنی! ببین این زن اوپاما به باغ بزرگ درست کرده تو کاخ سفید، باغ میوه و سبزی و اینا.» یوسف کف‌حال می‌گوید: «خب.» بشیر با تردید می‌گوید: «لان خبر اومده بود که همین آقای موبور گفته سبزی تازه لازم ندارم. می‌خوام اینارو بکنم و به جاش زمین‌گلف درست کنم. من به فکر اون همه میوه و سبزی‌ام که خراب می‌شن.» یوسف لب‌هایش را اور می‌چیند، یعنی اینکه تو هم عجب بیکاری‌ه‌ها! فکر چه چیزها می‌کنی! هیچ نمی‌گویی. بشیر هم ساکت می‌ماند و فوتایی سطل زباله را با زحمت خالی می‌کنند. پاییز می‌ریزد توب شیب کوچه میر کمالی.

لئونارد کوهن، صدایی از آغاز تا پایان

«لئونارد کوهن» که به اندازه سه نسل خاطره از خود برای دوستداران موسیقی به جا گذاشته، پنج‌شنبه ۲۰ آبان‌ماه در ۸۲سالگی درگذشت. کوهن کارش را با شاعری و نویسندگی آغاز کرد و بعدها به خوانندگی روی آورد. او در دهه ۱۹۶۰، که بازار موسیقی فولک داغ بود، به شهرت رسید. کوهن خواننده‌ای بود که چندین ساعت قبل از اجرا با کسی حرف نمی‌زد و از ترس ایجاد مشکل برای صدایش، در اتاقش را قفل می‌کرد. او تقریباً یک دهه زودتر از «بیتلز» و «رولینگ استونز» و یک دهه دیرتر از «الویس پریسلی» متولد شد. او را نمی‌توان حتی با خوانندگان فولک هم‌عصرش مقایسه کرد.

۱۶ | اکتیپنو

«پیشخوان»

|||||

محمد بلوری، روزنامه‌نگار پیشکسوت که در آسیاب روزنامه‌نگاری موسسید کرده، حاصل مطالعات تاریخی و تحقیقات میدانی خود را به تازگی در قالب رمانی ۸۵۴ صفحه‌ای به نشر سپرده است. این کتاب چکیده‌ای تمام‌عیار از تاریخ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

«هشتک»

«صدرا محقق»

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا که منجر به انتخاب دونالد ترامپ، سرمایه‌دار آمریکایی، به‌عنوان چهل‌وپنجمین رئیس‌جمهور این کشور شد، مثل خیلی دیگر از کشور‌های دنیا در ایران هم به موضوعی داغ و جدی در شبکه‌های اجتماعی بدل شد. پیشینه ترامپ و عملکرد و صحبت‌های جنجالی او و همچنین رقابتش با هیلاری کلینتون، دیگر نامزد این رقابت‌ها، از ماه‌ها پیش به موضوعی پر حاشیه و جذاب برای کاربران شبکه‌های اجتماعی بدل شده بود. سرانجام چهارشنبه هفته گذشته با پایان این رقابت و مشخص شدن نتایج انتخابات و برگزیده شدن ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا – ماجرابی که احتمالاً خیلی‌ها تصورش را هم نمی‌کردند – این موضوع به داغ‌ترین بحث روز در شبکه‌های اجتماعی بدل شد، به گونه‌ای که بسیاری از کاربران در فیس‌بوک و توئیتر ... به آن واکنش نشان دادند.

برخی کاربران تحلیل خود درباره این رویداد را نوشتند، برخی برنده انتخابات و با‌رای‌دهندگان آمریکایی را مورد بررسی قرار دادند، برخی از تعجب و حیرتشان نوشتند و گروه زیادی هم مثل همیشه این موضوع را دستمایه نوشتن مطالب طنز و شوخی‌های بامزه کردند. در ادامه برخی از این مطالب آمده است. کاربری به نام درویش در توئیتر درباره پیشینه و سابقه ترامپ چنین نوشت: «با این رزومه‌ای که هرروز داره از ترامپ منتشر می‌شه، به نظر اون خواننده زیرزمینی وطنی خیلی شبیه‌سته‌تر بود برای ریاست‌جمهوری آمریکا.» کاربری به نام سیرن هم طعنه‌ای به آمریکایی‌ها برای این انتخابشان زد و نوشت: «لان وقته‌شه هر توریست آمریکایی که دیدیم ازش بپرسیم از کجا اومده، بگه آمریکا، بعد ما بگیم اها... ترامپ.» ماکان از دیگر کاربران توئیتر هم با اشاره به حجم بالای مطالب و واکنش‌های کاربران ایرانی به این انتخابات و نتیجه‌اش چنین نوشت: «با این وضع توئیتر، احتمال اعتراض خیابونی علیه انتخاب ترامپ تو تهران بیشتر از شهرهای آمریکاست.» کاربری به نام برگه هم در این باره چنین توییته منتشر کرد: «خیلی از کسانی که دوست داشتن ترامپ رای بیاره افراد کنجکاو ی بدن که می‌خواستن بدونن از این بدتر دیگه چی می‌خواد بشه.»

زکی‌پدیا از دیگر اهالی توئیتر هم درباره ترامپ نوشت: «خوبی انتخاب‌شدن ترامپ‌اینه که وقتی موقع سخنرانی‌اش توی سازمان ملل صندلی‌ها خالی می‌شه به کم‌لمون خنک می‌شه.»

اصفهان، مویه کن!

اصفهان قدیم است. ویژگی عمده «اصفهان مویه کن»، که پیش از این تکه‌تکه و به صورت پاورقی در صفحات «شوک» روزنامه ایران به چاپ رسیده، در نقل جزئیات تاریخی آمیخته به زندگی روزمره مردمان آن روزگار است که با قلمی گیرا به تحریر درآمده. رمان «اصفهان مویه کن!» با دقت داستان غم‌انگیز پایتخت ایران در پایان عصر صفوی را بازگو می‌کند؛ پادشاهی شاه سلطان حسین و حمله محمود افغان و جانشین بی‌رحم او اشرف

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی

ترس از ترامپ در شبکه‌های اجتماعی

جریان به‌محاق رفته نومحافله کاران آمریکایی در دوران ترامپ است که هم‌اینگ هم جان بولتون، از چهره‌های سرشناس آن‌ها، در جرگه نزدیکان ترامپ است.» کاربری به نام بهزاد وفاخواه هم با نوشتن مطلبی چگونگی انتخاب ترامپ و اقبال رای‌دهندگان به او را توضیح داده است: «یک داستان رای آورد: داستان مردی ثروتمند (که در آمریکا معنای موفقیت می‌دهد) که هیچ‌کس او را دوست ندارد اما با تلاش و سماجت در صحنه باقی می‌ماند و رقبا را یکی‌یکی شکست می‌دهد. یک داستان صد‌درصد آمریکایی. در مقابل، رقیبش برای عمده‌رای‌دهنده‌های آمریکایی زنی کم‌قدرت بود که ادامه‌دهنده همان سیاست قبلی است و تازه نسبت

به سلفش (رئیس‌جمهور فعلی یا شوهرش) نمونه‌ای ضعیف‌شده است. رای‌دهنده‌ها کسی را خواستند که به دور از همه نزاکت‌های معمول و بدون لشکر مشاوران متخصص دوروبرش اکانست توییترش را خودش اداره می‌کرد و بی‌وقت و بی‌وقت و معمولاً در بدترین ساعات، سه شب یا پنج صبح، شخصاً توییته می‌نوشت و این و آن را به باد انتقاد می‌گرفت.»

احسان منصوری، از کاربران فیس‌بوک، هم در مطلبی چندپندگی این انتخاب آمریکایی‌ها را از منظر خود توضیح داده است: «ترامپ به‌واسطه پژواک رسوایی‌هایش توسط رسانه‌ها به چهره‌ای منفور در میان بسیاری از مردم جهان تبدیل شده است. برای اهالی خاورمیانه اما قضاوت درباره این انتخابات بدون درک نتایجش در خاورمیانه بی‌معناست. اگر ترامپ به خاطر مخالفت با ورود چند هزار پناهنجوی مسلمان سرزنش می‌شود، هیلاری کلینتون عامل اصلی جنگ و ویرانی مطلق لیبی و به راه افتادن سیل مهاجران بود. دو گانه‌ای که رسانه‌ها از ترامپ نژادپرست در برابر کلینتون می‌سازند، کاذب و انحرافی است. کلینتون که صدها هزار نفر را بی‌خانمان می‌کند و تنها حاضر است هیچ اندکی از آن مهاجران را در کشور خود بپذیرد، هیچ برتری اخلاقی بر ترامپ ندارد.» منصوری در ادامه مطلب خود می‌نویسد: «جرج بوش از سال ۸۱ تا ۸۷ همواره مشغول تهدید ایران بود، اما به دلیل ناتوانی در ایجاد اجماع جهانی نتوانست فشار زیادی علیه ایران به وجود بیاورد. اوپاما اما توانست اروپا و آسیا را

با خود همراه کند تا سخت‌ترین محاصره اقتصادی را علیه ایران شکل دهد. ترامپ حتی از بوش هم غیرقابل‌اعتمادتر است و در نتیجه نمی‌تواند اجماع قبلی علیه ایران را حفظ کند و درست به همین دلیل راه سختی برای بی‌اثر کردن برجام در پیش دارد. هرقدر شکاف‌های سیاسی در داخل آمریکا و میان متحدان غربی‌اش افزایش یابد، فضای تنفس بیشتری برای ما فراهم می‌شود.»

جایی برای حرف‌های خودمانی



یکشنبه ● ۲۳ آبان ۱۳۹۵ ● شماره هفتاد و نه

A T I V E H N O



خواستگاری پدر در دسر

دوباره موجی از چنددستگی بین بچه‌های ساختمان راه افتاده. هرروز بحث‌جندل تازه‌ای از گوشه و کنار ساختمان به گوش می‌رسد. دوباره دلخوری و سوءتفاهم میهمان این چند روز ساختمان ماست. وقتی پیگیر این دلخوری‌ها می‌شوی تا جلوی آن را بگیری، می‌بینی که دلایل واهی و علت‌های خیلی سطحی باعث آن‌ها شده و همه را به جان هم انداخته. دیروز سرر صبحانه درباره این کورت‌ها مفصل صحبت کردیم و جالب اینکه خیلی از آن‌ها به خاطر درست نفهمیدن حرف همدیگر و سوءتفاهم بود. خدا را شکر که به‌آشتی ختم‌شد. خانم حسابدار هم بالاخره دیروز با کمی تأخیر به ساختمان آمد و دفتر کارش را تحویل گرفت. البته دفتر چندان تمیز و مرتبی نیست، اما با کمی دستکاری و گذاشتن میز و صندلی در آن تا حدودی رنگ و روی دفتر کار گرفت. خانم حسابدار هم آن‌ها به خانم حسابدار قبلی با او همکاری داشتیم، در بدو ورود شروع به دستور دادن کرد و ما هم مجبور به اطاعت بودیم. به لطف او مشکل حساب و کتاب ساختمان حل شد و کارمان کمی راحت‌تر. برای همه ابزار و مصالحی که می‌گرفتیم باید لیست تهیه می‌کردیم و فاکتورها را به حاج‌علی تحویل می‌دادیم و خلاصه کلی حساب و کتاب باید می‌کردیم که الان همه ابزار و مصالحی که می‌گرفتیم باید لیست تهیه می‌کردیم و فاکتورها را به حاج‌علی تحویل می‌دادیم و همه آن‌ها به خانم حسابدار تحویل داده شده‌الحق که به‌کارش مسلط است. کمال یکی از دوستان مادر ساختمان قبلی بود که کار آنجا را به‌اتمام نرساند و از جمع ماجدا شد تا برای کار به یک رستوران برود. چند روز پیش به ساختمان آمد و با حاج‌علی برای کار دوباره صحبت کرد. حاج‌علی که به رفتن مهرداد نیاز به کارگر داشت، او را به جای مهرداد به کار گرفت. به خاطر دوستی قبلی خیلی زود با او صمیمی شدم. خداوند به کمال جمال چندانی نداده و از نظر آناتومی بدنی هم کمی مشکل دارد. کمی کوتاه‌قدرت از حد معمول است اما اعتمادبه‌نفسی دارد که شخصیتی بسیار قوی برای او ساخته. از دیروز احوال کمال کمی به هم ریخته بود. لایه‌لای حرف‌هایش فهمیدم به خانم حسابدار علاقه‌مند شده. گفتیم: «آقا کمال، بذار خانم حسابدار از راه‌برسه بعد لباخته‌اش شو!» کمال که در ساختمان قبلی هم مدت‌ها همکار ما بود گفت: «از آن زمان به او علاقه‌مند شدم، اما کم‌رویی اجازه نداد به کسی بگویم.» کمال از من خواست با خانم حسابدار صحبت کنم. از آنجایی که سال‌ها سابقه همکاری بااین خانم‌دارم، از روحیه و خلق و خویش کاملاً باخبرم و نگفته می‌دانستم جوابش منفی است. آن‌ها نه‌از لحاظ خانوادگی و نه‌از نظر فرهنگی و مالی با هم توازن نداشتند. خانم حسابدار از اینکه هنوز نیامده برایش خواستگار پیدا شده بود تعجب کرد و طبق پیش‌بینی پاسخش منفی بود. اما می‌خواست طوری به کمال بگویم که ناراحت نشود. جواب را که به کمال گفتیم ناراحت شد و گفت: «جواب منفی‌اش حتما به خاطر کارگر بودنم است!» دیدم خیلی ناراحت است. گفتیم: «شرط پدرشان این است که دامادش از اقوامشان باشد و علت پاسخ منفی هم همین است.» که حالش کمی بهتر شد. به اربعین حسینی نزدیک می‌شویم و شور رقتن به کربلا و پیاده‌روی تا حرم امام حسین (ع) بالا گرفته. چند نفر از دوستان ما در ساختمان نیز عزمر رقتن به کربلا کرده‌اند...

سایه کیش

سایه مرآت

سایه ۳۰ (میری)

سایه ولیجک

سایه اختار

سایه دروس

ایماشاز

۰۲۱-۴۲۰۰۱۰۲۱

با بیش از ربع قرن تجربه در صنعت ساختمان